

# بررسی تصحیحات پانزده بیت عربی در گلستان سعدی از نظر عروض و قافیه

آریا طبیبزاده (دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

## چکیده

در گلستان سعدی ابیاتی به عربی وجود دارد که تقریباً همه آنها از نظر وزن و قافیه، تابع قواعد عروض و قافیۀ عرب است؛ اما تقریباً همه مصححان فارسی‌زبان، در تصحیح و بررسی این ابیات از قواعد عروض فارسی پیروی کرده‌اند، و این امر سبب ایجاد ایراداتی در ضبط‌هایشان شده است. نکته جالب توجه این است که در دو ترجمۀ عربی و یک شرح ترکی بر گلستان، این ایرادات یا وجود ندارد یا شمار آنها بسیار اندک است. ما در این مقاله به بررسی تصحیحات برخی از این ابیات از منظر قواعد عروض و قافیه پرداخته‌ایم و ضبط‌های درست را معرفی و ایرادات ضبط‌های نادرست را بیان کرده‌ایم. کلیدواژه‌ها: سعدی، گلستان، عروض عربی و فارسی، عروض تطبیقی.

## مقدمه و بیان مسئله

در این مقاله به بررسی تصحیحات برخی ابیات عربی گلستان در ۱۴ نسخه اعم از تصحیح، ترجمه و شرح‌های آن می‌پردازیم، ضبط‌های صحیح ابیات را معرفی کرده و ایرادات ضبط‌های نادرست را بیان می‌کنیم. تأکید ما در بررسی ضبط این ابیات، بر قواعد عروض و قافیۀ عرب است، اما گاهی به مسائل مربوط به قواعد صرف و نحو هم پرداخته‌ایم؛ این به این معناست که در این مقاله هدف ما تعیین ضبط اصیل نیست، بلکه تعیین ضبط‌هایی است

که از نظر عروض و قافیه (و بعضاً صرف و نحو) بی غلط هستند. ابتدا به معرفی نسخه‌های بررسی شده می‌پردازیم و سپس روش کار خود را توضیح می‌دهیم (نسخه‌ها به ترتیب تاریخ چاپ معرفی می‌شوند):

**سودی (وفات: ۱۰۰۰-۱۰۰۶)** (شرح): برای بررسی ضبط ابیات از نسخه چاپ سنگی شرح سودی بر گلستان که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود (چاپ ۱۲۴۹) استفاده کرده‌ایم. این نسخه بی‌اعراب است، اما گاهی با توجه به توضیحات سودی، بعضی مسائل مربوط به اعراب روشن می‌شود. از آنجاکه شرح او به زبان ترکی است، برای بررسی توضیحات از ترجمه شرح سودی (۱۳۴۹) استفاده کرده‌ایم. ضبط‌ها در این ترجمه دارای ایرادات بسیاری در اعراب‌گذاری است، تا آن حد که اصلاً ضبط‌هایش را بررسی نکرده‌ایم. همچنین مواردی بوده که در ترجمه بعضی از نکات جزئی در متن اصلی جا مانده است که تا جای ممکن آن موارد را هم گزارش داده‌ایم.

**المخلع (وفات: ۱۲۶۸)** (ترجمه به عربی): برای بررسی ضبط ابیات از نسخه چاپ ۱۲۶۳ که در کتابخانه دانشگاه پرینستون آمریکا نگهداری می‌شود استفاده کرده‌ایم. این نسخه بی‌اعراب است.

**قریب گرکانی (تصحیح):** برای بررسی ضبط ابیات از نسخه چاپ ۱۳۱۰ استفاده کرده‌ایم. این نسخه دارای اعراب‌گذاری کامل است. در حروف‌چینی این نسخه در خیلی از موارد حرف همزه «ء» با کسره زائد «ء» نوشته شده که این مسئله موجب شده در مواقعی که همزه واقعاً مکسور است، دارای تنوین جزر، یعنی «ء»، به نظر برسد. همچنین در هنگام اتصال حرف «ی» به «س» یک دندانچه بیشتر نوشته شده که همه اینها ایرادات مطبعی است و ما به ذکر آنها در همین جا اکتفا می‌کنیم؛ علاوه بر این‌ها، در مواردی هم اعراب در جای درست قرار نگرفته که این موارد را تحت عنوان ایراد مطبعی ذکر خواهیم کرد.

فروغی (تصحیح): برای بررسی ضبط ابیات از نسخه گلستان چاپ ۱۳۱۶ استفاده کرده‌ایم.<sup>۲</sup> این نسخه دارای اعراب‌گذاری کم است و حروف چینی آن چندان مناسب نیست؛ در این نسخه معمولاً اعراب با فاصله‌ای از حروف قرار گرفته‌است؛ مثلاً «مطاع» به صورت «مطاع» ضبط شده‌است.

رستم علی‌یف (تصحیح و ترجمه به روسی): برای بررسی ضبط ابیات از نسخه چاپ ۱۹۵۹ استفاده کرده‌ایم. این نسخه با خط نستعلیق نوشته شده و اعراب‌گذاری بسیار کمی دارد.

الفراتی (وفات: ۱۹۷۸) (ترجمه به عربی): برای بررسی ضبط ابیات از نسخه چاپ ۱۹۶۱ استفاده کرده‌ایم. اعراب‌گذاری در این نسخه نه زیاد است و نه کم.

نفیسی (تصحیح): برای بررسی ضبط ابیات از نسخه چاپ ۱۳۴۱ استفاده کرده‌ایم. اعراب‌گذاری این نسخه اندک و حروف چینی آن بسیار بد است؛ به طوری که مملوء از ایرادات مطبعی است؛ همچنین در این نسخه تقریباً در تمام موارد حرف همزه «ه» با کسره زائد «ه» نوشته می‌شود و چون ایراد مطبعی است، به ذکر آن در همین جا اکتفا می‌کنیم.

مشکور (تصحیح): برای بررسی ضبط ابیات از نسخه چاپ ۱۳۴۲ استفاده کرده‌ایم. اعراب‌گذاری این نسخه کامل است.

خزائلی (شرح): برای بررسی ضبط ابیات این نسخه از چاپ ۱۳۴۴ استفاده کرده‌ایم. اگرچه عنوان کتاب شرح گلستان است، اما متن آن هم به تصحیح خزائلی است. اعراب‌گذاری این نسخه کامل است.

خطیب‌رهبر (شرح): برای بررسی ضبط ابیات از چاپ بیست‌وهفتم (۱۳۹۶) کتاب استفاده کرده‌ایم، اما چاپ اول کتاب به تاریخ ۱۳۴۸ است. در این نسخه اگرچه ادعا شده که متن دقیقاً متن مصحح فروغی است و در منابع کتاب به کلیات سعدی (۱۳۲۰) به تصحیح فروغی ارجاع داده شده‌است (نک. خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶: ۷۰۰، پیشگفتار)، اما متن کتاب با متن فروغی تفاوت‌هایی دارد از جمله اینکه اعراب‌گذاری خطیب‌رهبر کامل است، اما

۲. با تشکر از آقای میرسالار رضوی که تصاویری از این نسخه را در اختیار نگارنده قرار دادند.

اعراب‌گذاری فروغی بسیار کمتر است. همچنین تفاوت‌هایی میان حروف‌چینی دو ضبط وجود دارد؛ مثلاً در کلیات مصحح فروغی میان الف (ا) و همزه قطع (أ) تمایز وجود دارد، اما در ضبط خطیب‌رهبر این تمایز وجود ندارد. به همین دلیل ما ضبط خطیب‌رهبر را به‌عنوان ضبطی مجزا بررسی کرده‌ایم.

یوسفی (تصحیح): برای بررسی ضبط ابیات از چاپ یازدهم (۱۳۹۲) کتاب استفاده کرده‌ایم، اما چاپ اول آن به تاریخ ۱۳۶۸ است. اعراب‌گذاری این نسخه نسبتاً کامل است. انوری (تصحیح): برای بررسی ضبط ابیات از چاپ چهارم (۱۳۹۵) کتاب استفاده کرده‌ایم، اما چاپ اول آن به تاریخ ۱۳۸۳ است. اعراب‌گذاری این نسخه تقریباً کامل است. مصفا (تصحیح): برای بررسی ضبط ابیات از چاپ سوم (۱۳۹۵) کتاب استفاده کرده‌ایم، اما چاپ اول آن به تاریخ ۱۳۸۵ است. اعراب‌گذاری این نسخه نسبتاً زیاد است. خرمشاهی (تصحیح): برای بررسی ضبط ابیات از چاپ ۱۳۹۳ کتاب استفاده کرده‌ایم. اعراب‌گذاری آن نه کم و نه زیاد و ایرادات مطبعی در آن نسبتاً زیاد است.

### روش کار

ما در بررسی خود از نمونه‌هایی که صرفاً دارای خطاهای مطبعی یا خطاهای نامربوط به وزن و قافیه بوده‌است صرف‌نظر کرده‌ایم؛ مثلاً در مصراع «یهاج إلی صوت الأغانی لطیبه» سودی (۱۲۴۹ق: ۲۲۴) سودی، «صوت لأغانی» ضبط کرده یا در مصراع «علی المصنف واستغفر لصاحبه» فروغی (۱۳۱۶: ۲۰۷) «مصنف» را «صنف» ضبط کرده‌است که به‌دلیل درستی ضبط در سایر نسخه‌ها ما از این موارد صرف‌نظر کرده‌ایم. همچنین در صورتی که ایرادی مربوط به اعراب‌گذاری کلمات بوده‌است، ضبط‌هایی را که اعراب‌گذاری ندارند درست فرض کرده‌ایم و به‌طورکلی هر ضبطی را که در آن غلطی نبوده صحیح دانسته‌ایم. در مورد هر بیت ابتدا ضبط / ضبط‌های صحیح را با رنگ سیاه نوشته‌ایم و در مقابل آن نسخه‌هایی را که دارای ضبط‌های صحیح بوده‌اند معرفی کرده‌ایم. سپس به بررسی مشکلات ضبط‌های نادرست و برخی آراء مطرح شده در نسخه‌ها پرداخته‌ایم. در صورتی که دو یا چند ضبط صحیح وجود داشته و دلیل محکمی بر ترجیح ضبطی بر دیگری نیافته‌ایم، یک یا چند ضبط را در کمانک

گذاشته‌ایم و در صورتی که دلیلی برای ترجیح بود، آن دلیل را ضمن صحیح دانستن ضبط‌ها بیان کرده‌ایم. در مورد رسم الخطی که برای ضبط ابیات استفاده کرده‌ایم باید بگوییم که ما در سراسر مقاله همه ضبط‌ها را با همان رسم الخط و اعراب گذاری‌ای که داشته‌اند نقل کرده‌ایم، مگر در دو مورد که رسم الخط خود را بر همه متون اعمال کرده‌ایم: نخست آنکه در بعضی نسخه‌ها همزه وصل را در نوشتار نمایش داده‌اند (آ) تا از همزه قطع و الف (مصوت ā) متمایز شود؛ ما همزه وصل و الف را به جهت آسان خوانی متن از یکدیگر متمایز نکرده‌ایم چون مواضع همزه وصل مشخص است و نمایش آن متن را شلوغ می‌کند. دومین مورد برای نمایش حرف «یاء» است؛ در جایی که این حرف، صامت (نماینده واج y؛ مثلاً در کلمه «شیء») یا نشان‌دهنده مصوت I بوده است (مثلاً در کلمه «الذی»)، آن را با دو نقطه در زیر (ی) و در مواردی که نشان‌دهنده مصوت ā بوده است، آن را بدون نقطه (ی) نشان داده‌ایم (نک. Wright: 1896, vol. 1, p. 4). حال پیش از بررسی ابیات، ذکر چند توضیح لازم است؛ در طی متن هر کجا لازم بوده است به یکی از توضیحات زیر اشاره کرده‌ایم و در هر مورد به ذکر شماره توضیح اکتفا کرده و برای پرهیز از اطاله کلام از شرح مجدد آن اجتناب کرده‌ایم.

**توضیح ۱:** در شعر عرب، قافیه نمی‌تواند تنوین بگیرد؛ زیرا محل وقف است. بنابراین، برای آخرین حرف قافیه به‌طور طبیعی (یعنی مرحله قبل از اینکه براساس قواعد قافیه تغییری در آن داده شود) ممکن است سه حالت وجود داشته باشد: ۱. حرف آخر قافیه یکی از حروف مد (الف، یاء و واو) باشد، ۲. حرف آخر قافیه ساکن باشد، ۳. یا حرف آخر قافیه دارای فتحه، کسره یا ضمه باشد. در دو حالت اول لزوماً تغییری در قافیه داده نمی‌شود، ولی در حالت سوم، یا تسکین حرف متحرک رخ می‌دهد یا حرکت اشباع می‌شود و به واو، یاء یا الف تبدیل می‌شود (اشباع نوعی ضرورت وزنی است؛ نک. توضیح ۲ و نیز: شمس قیس رازی، [۱۳۳۵]: ۲۰۱

۳. حروف مد مصوت‌های بلند ā، ē و آ هستند، ولی در شیوه‌های سنتی دستورنویسی عربی آنها را حرف دانسته‌اند؛ بدیهی است که این نظر در علم زبان‌شناسی جدید منسوخ است. ما چون در این مقاله از کتاب‌های سنتی عروض و قافیه عرب بسیار استفاده کرده‌ایم، در این‌گونه موارد هم همان اصطلاحات سنتی را به‌کار برده‌ایم.

۴. ضرورت اشباع جز در مورد ضمیر متصل غائب (ه) و ضمیر منفصل متکلم وحده (انا)، فقط در آخرین هجای قافیه می‌تواند به‌کار رود و هرگز در موضع دیگری نمی‌توان از آن استفاده کرد. اشباع در قافیه احتمالاً با نظام کهن وقف در عربی که در کتیبه‌های پیش از اسلام نشانه‌هایش را می‌بینیم مرتبط است؛ (نک. Versteegh, 2014, p. 31-33, 36).

و ۲۰۲؛ قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰)؛ یعنی در شعر عرب، هرگز کمیتِ آخرین هجای قافیه، کوتاه نیست (و فقط می‌تواند بلند یا کشیده باشد)؛ برای مثال، در معلقهٔ امرؤ القیس (۲۰۱۱: ۱۵) به مطلع «قفا نبک من ذکری حبيب و منزل / بسقط اللوی بین الدخول فحومل» اگرچه کلمهٔ «منزل» به دلیل منصرف و نکره بودن، قاعدتاً باید تنوین جر بگیرد، اما چون قافیه است تنوین نمی‌گیرد و کسرهٔ آن اشباع شده و به یاء بدل می‌گردد که حرف وصل است. بنابراین، به صورت «منزلی» خوانده می‌شود و به همین دلیل شاعر می‌تواند این بیت را در همین قصیده بیاورد: «ففاصت دموع العین منی صبابه / علی النحر حتی بلّ دمعی محمّلی» (همان: ۱۸) که حرف لام در «محمّلی» حرف روی است و ضمیر یاء متکلم وحده که در محل مضاف‌الیه است، حرف وصل می‌شود (نک. سیبویه، ۱۹۸۸: الجزء الرابع: ۲۰۴-۲۱۶؛ الأخفش، ۱۹۷۴: ۱۶-۲۱، ۴۰-۴۳، ۵۷ و ۵۸، ۷۹-۷۷، ۸۱، ۸۵ و ۸۶، ۹۷-۱۰۹، ۱۱۷-۱۲۸؛ السیرافی، ۱۹۸۵: ۳۵-۳۹؛ العروسی، ۱۹۹۶: ۲۷۸ و ۲۷۹، ۲۸۲ و ۲۸۳، ۲۹۳؛ الجوهری، ۲۰۰۶؛ Wright, 1898, vol. 2, p. 351-358; Lane: 1968, vol. 1, p. 1; Drory, 2000: 60-122). در ابیات عربی گلستان در بیشتر ضبط‌های فارسی‌زبانان، قاعدهٔ منع تنوین قوافی رعایت نشده است و معمولاً فقط در مواردی از تنوین قافیه احتراز شده است که از نظر قواعد زبان عربی منع تنوین وجود دارد؛ مثلاً وقتی که اسم دارای الف و لام تعریف یا فعل در قافیه قرار می‌گیرد که در این موارد اگر قوافی دیگر آن نظم، اسامی منون هم بوده باشد، به تبع آن قافیهٔ غیر منون، بدون تنوین ضبط شده است.

**توضیح ۲:** در عروض عرب می‌توان برخی قواعد زبان عربی را به ضرورت وزن یا قافیه رعایت نکرد که به عنوان ضرورت‌های شعری شناخته می‌شوند (نک. السیرافی، ۱۹۸۵: ۳۳ و ۳۴). بدیهی است که اگر رعایت قواعد زبان در وزن و قافیه خللی ایجاد نکنند از ضرورت استفاده نمی‌شود. ضرورت‌هایی که در این مقاله به آنها اشاره می‌کنیم عبارت‌اند از: اشباع (نک به توضیح ۱)، قلب همزه به الف (نک. السیرافی، ۱۹۸۵: ۱۳۸-۱۴۰) و حذف اعراب یا تسکین متحرک (نک. همان: ۱۱۹-۱۲۷). ضرورت قلب همزه به الف اگر در افعال مهموزاللام استفاده شود،

54-55) در این نظام، الگوی وقف برخلاف آنچه در عربی کلاسیک دیده می‌شود ( $an < \bar{a}$ ,  $un < \emptyset$ ,  $in < \emptyset$ ) بدین صورت بوده است: نصب  $\bar{a}$ ، رفع  $\bar{u}$  و جر  $\bar{i}$ .

مانند این است که شاعر فعل را معتل ناقص بپندارد. استفاده از ضرورت حذف اعراب برای فعل مضارع مانند این است که فعل بدون عامل جزم، مجزوم شود که البته برخی آن را جایز دانسته و برخی ندانسته‌اند (نک. همان: ۱۱۹-۱۲۷)؛ ولی اگر فعل مضارع مهموز اللام باشد، دیگر استفاده از این ضرورت وجهی ندارد؛ چون به جای آن می‌توان از ضرورت قلب همزه به الف استفاده کرد که ضرورتی رایج و مقبول است و در این صورت، دیگر فعل بدون عامل جزم مجزوم نمی‌شود.

**توضیح ۳:** تعداد جزءهای (رکن‌های) هر بیت برای هر بحر حداکثر به تعداد اجزای بیت تام است (صورتی که از دوایر عروض عرب استخراج می‌شود). بیت تام برخی بحرهای دارای ۸ جزء و برخی دیگر دارای ۶ جزء است. در صورتی که تعداد جزءهای هر بیت از تعداد ارکان بیت تام، یکی کمتر شود بیت را مجزوء می‌نامند (نک. الزمخشری، ۱۹۸۹: ۶۷؛ قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰: ۳۴ و ۳۵). بحرهایی که بیت تام آنها هشت‌جزئی (مثنی) است عبارت‌اند از: طویل، مدید، بسیط، متقارب و متدارک (رکض / رکض الרכب). بحرهایی که بیت تام آنها شش‌جزئی (مسدس) است عبارت‌اند از: کامل، وافر، هزج، رجز، رمل، سریع، مجتث، مقتضب، مضارع، خفیف، منسرح (نک. الزمخشری، ۱۹۸۹: ۵۲). بنابراین، اگر در نوشتن یک شعر عربی مثلاً به بحر رمل در هر مصراع ۴ جزء قرار بگیرد، این خطاست و از جمله مشکلاتی است که در تصحیح ابیات عربی در متون فارسی رخ می‌دهد؛ این نکته پیش از این نیز مورد توجه واقع شده بوده‌است (مثلاً نک. قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰: ۱۳۵ و ۱۳۶).

**توضیح ۴:** در عروض عرب گاهی دو مصراع یک بیت، در کلمه‌ای مشترک است؛ یعنی قسمتی از کلمه در مصراع اول و قسمتی از آن در مصراع دوم می‌آید که به آن بیت، بیت مدوّر، مدوّج یا مُدَمِّج می‌گویند (نک. الهاشمی، ۲۰۰۶: ۳۵) مانند بیت مقابل از سینه مشهور بختری (۱۹۱۱: الجزء الثانی: ۵۶) «و تَمَاسَكْتُ حِينَ زَعَزَعَنِي الدَّهْرُ التَّمَا سَا مَنَّهُ لَتَعْسَى وَ نَكْسَى» که می‌توان دو مصراع را از هم متمایز کرد: وَ تَمَاسَكْتُ حِينَ زَعَزَعَنِي الدَّهْرُ / وَ التَّمَا سَا مَنَّهُ لَتَعْسَى وَ نَكْسَى.

**توضیح ۵:** اگر در بیتی عروض و ضرب بر یک وزن نباشند، برای قافیه کردن دو مصراع باید جزئی که در عروض بیت می‌آید هم‌وزن جزئی شود که در ضرب می‌آید که این را **تصریح** و آن بیت را **مصرع** می‌گویند. اگر جزئی که در عروض و ضرب می‌آید، هم‌وزن باشد، در صورت هم‌قافیه شدن، دو مصراع بیت را **مقفی** می‌نامند (نک. التبوخی، ۱۹۷۸: ۷۵-۸۳؛ العروسی، ۱۹۹۶: ۱۷۶-۱۸۰). بدیهی است که به دلیل تفاوت بنیادی نظام وزن شعر فارسی با عروض عرب و وجود اصل تساوی مصراع در شعر فارسی<sup>۵</sup>، تصریح در فارسی معنایی نمی‌تواند داشته باشد و به همین دلیل، برای این دو اصطلاح معانی دیگری ساخته شده‌است (نک. شمس قیس رازی ۱۳۳۵: ۴۱۲-۴۱۸؛ قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۸).

ما در این مقاله ایرادات مربوط به عروض و قافیه را در ضبهاها به چند نوع کلی تقسیم کرده‌ایم و برای هر نوع ایراد حداکثر پنج نمونه از میان کل نمونه‌ها، که تعداد قابل توجهی از نسخه در ضبها آنها دچار خطا شده بودند، ذکر می‌کنیم و به شرح مشکلات ضبها آن نمونه می‌پردازیم. همچنین بعضی تحلیل‌های نادرست شارحان در حوزه وزن در نتیجه‌گیری ما بسیار مهم بوده‌است که آن موارد را هم شرح داده‌ایم. ایرادات مربوط به عروض و قافیه در تصحیح ابیات عربی در گلستان را با توجه به توضیحاتی که در بالا آوردیم، می‌توان به‌طور کلی به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) تنوین قافیه (نک به توضیح ۱).

ب) بی‌توجهی به ضرورت‌های شعری عرب (نک توضیح ۲).

ج) بی‌توجهی به اصول عروض عرب در چینش مصاربع (نک توضیح ۳ و ۴).

د) اعمال برخی قواعد عروض فارسی به ابیات که برخی محققان وزن بیت را - علی‌رغم مطبوع بودن در شعر عربی - به‌خاطر نامطبوع بودن آن در شعر فارسی، ثقیل قلمداد کرده و سعی کرده‌اند تا با انتخاب ضبهاهایی (که البته اصالت آنها محل تردید است) وزن را مطبوع کنند.

۵. عروض سنتی با تحمیل قواعد عروض عرب به قواعد وزن شعر فارسی سعی کرد اصل تساوی مصراع را نادیده بگیرد؛ این مسئله از عیوب بزرگ عروض سنتی است.



## بررسی بیت‌ها

حال به بررسی ابیات می‌پردازیم:

الْعُلَى بِكَمَالِهِ      كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ  
حَسُنْتَ جَمِيعُ خِصَالِهِ      صَلُّوا عَلَيْهِ وَآلِهِ

(سودی<sup>۶</sup>، ۱۲۴۹: ۱۴ و ۱۵؛ المخلم، ۱۲۶۳: ۱۶؛ قریب گرکانی<sup>۷</sup>، ۱۳۱۰: ۳)

در ترجمه الفراتی (۱۹۶۱: ۹) هر چهار مصراع کنار هم گذاشته شده اما بینشان فاصله داده شده است:

بَلَّغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ      كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ      حَسُنْتَ جَمِيعُ خِصَالِهِ      صَلُّوا عَلَيْهِ وَآلِهِ

ادبای فارسی‌زبان به جز قریب هر دو مصراع را به صورت یک مصراع که دارای چهار رکن متفاعل است ضبط کرده‌اند: بَلَّغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ / حَسُنْتَ جَمِيعُ خِصَالِهِ صَلُّوا عَلَيْهِ وَآلِهِ (فروغی، ۱۳۱۶: ۲؛ رستم علی‌یف، ۱۹۵۹: ۸؛ نفیسی<sup>۸</sup>، ۱۳۴۱: ۲؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۲؛ خزانی، ۱۳۴۴: ۱۰۲؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۵۰؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶: ۹؛ انوری، ۱۳۹۵: ۴؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۰۰؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۳۲).

این دو بیت مربوط است به سومین ایراد از ایرادات چهارگانه‌ای که در مقدمه ذکر کرده‌ایم (ایراد مربوط به چینش مصاریع)، هرچند که در این مورد نمی‌توان ضبط فارسی‌زبانان را قاطعانه رد کرد. به نظر نگارنده، حق با محمد خزانی است که هر دو ضبط را صحیح دانسته است (۱۳۴۴: ۸۷ و ۸۸ و ۱۲۶). توضیح اینکه هم می‌توان این شعر را شعری دانست که براساس عروض عرب و به بحر کامل مجزوءالعروض مجزوءالضرب (نک. توضیح ۳) سروده شده؛ و هم نظمی عربی که براساس عروض فارسی سروده شده است؛ یعنی چهار رکن متفاعل در هر مصراع. به نظر نگارنده چینش مصاریع در ترجمه الفراتی چینشی مابین عروض عرب و فارسی است. باید توجه داشت که اگر براساس عروض

۶. در ترجمه شرح سودی آمده است که هر مصراع این نظم از دو متفاعل تشکیل شده است مگر مصراع چهارم که ابتدایش مستفعلن می‌آید (در پانویشت آورده‌اند که منظور «صلوا علیه و آله» است) (سودی، ۱۳۴۹: ۱۴). در متن اصلی، سودی به زحاف اضمار (تبدیل متفاعلن به مستفعلن) اشاره کرده که در ترجمه جا افتاده است.

۷. در مصراع دوم بیت اول «الدجی» ضبط کرده که ایراد مطبعی است.

۸. در مصراع اول بیت اول «یکماله» ضبط شده است که ایراد مطبعی است و ما از آن صرف نظر کرده‌ایم.

عرب شعر را تقطیع کنیم، در ابتدای مصراع آخر از جواز وزنی اضممار (تبدیل متفاعلن به مستفعلن) استفاده شده که استعمال آن در بحر کامل بنابر قواعد عروض عرب صحیح است (برای بررسی ویژگی‌ها و جوازهای وزنی این بحر نک. الخطیب التبریزی، ۱۹۹۴: ۵۸-۷۲)؛ باین همه ما ضبط عرب‌زبانان را مرجح می‌دانیم، زیرا این دو بیت، ملمع نیست و بسیار بعید است سعدی شعری عربی را خارج از فن تلمیع، براساس قواعد وزنی فارسی بسراید؛ اتفاقاً عکس این امر در آثار سعدی دیده شده‌است؛ یعنی او ابیاتی به فارسی دارد که در آن عناصر وزنی عربی دیده می‌شود (نک. طیب‌زاده، ۱۳۹۸).

كَذَلِكَ تَنْشَأُ لَيْنَةً هُوَ عَرَفُهَا      وَ حُسْنُ نَبَاتِ الْأَرْضِ مِنْ كَرَمِ الْبَدْرِ

(سودی، ۱۲۴۹: ۲۹؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۱۳؛ قریب گرکانی، ۱۳۱۰: ۶)

قبل از بررسی ضبط‌های این بیت، که در اصل متعلق به قصیده‌ای از سعدی در رثای خلیفه مستعصم بالله پس از سقوط بغداد است، باید گفت که علاوه بر اینکه در شرح سودی و ترجمه الفراتی ضبط کاملاً صحیح است و ضبط المخلم فقط یک ایراد نوشتاری دارد، در ترجمه موسی اسوار از قصاید عربی سعدی نیز، بیت با صورت صحیح ضبط شده‌است (سعدی، ۱۳۹۰: ۵۶)؛ درحالی‌که هیچ‌یک از مصححین و شارحان فارسی‌زبان به جز قریب این بیت را صحیح ضبط نکرده‌اند و دلیل این مسئله ناآشنایی فارسی‌زبانان با قواعد عروض عرب است. نکته‌ای که در این بیت وجود دارد، ضرورت قلب همزه به الف است (نک. توضیح ۲)؛ بیت به بحر طویل مقبوض العروض سالم الضرب (فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن / فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن) سروده شده و برای هر چهار جزء (رکن) فعولن از جواز وزنی قبض (تبدیل فعولن به فعول) استفاده شده‌است (برای بررسی ویژگی‌ها و جوازهای وزنی بحر طویل نک. الخطیب التبریزی، ۱۹۹۴: ۲۲-۳۰)؛ از طرفی صورت اصلی فعل «تَنْشَأُ / يَنْشَأُ» است، ولی برای حفظ وزن شعر ضرورتاً همزه باید به الف تبدیل شود<sup>۹</sup>. این نکته را سودی هم در شرح خود (۱۳۴۹: ۴۸) توضیح داده‌است. حال ضبط‌های دیگر را بررسی می‌کنیم:

**المخلم:** «تنشا» را به صورت «تنشی» ضبط کرده که ایراد نوشتاری است (۱۲۶۳: ۱۸).

۹. با ضبط «تنشأ» وزن مصراع می‌شود «فعول مفاعلتن فعول مفاعلن» که در بحر طویل نمی‌توان «مفاعیلن» را به «مفاعلتن» تبدیل کرد.

فروغی و خرمشاهی: در مصراع اول «ینشأ» ضبط کرده‌اند و به دلیل نگذاشتن اعراب بر روی همزه معلوم نیست خوانش آنها به ضم همزه یا به سکون آن است (فروغی، ۱۳۱۶: ۵؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۳۳)، اما در حال، این ضبط بنا بر توضیح ۲ نادرست است. همچنین از آنجاکه «لینة» مؤنث مجازی است، تذکیر فعل «ینشأ» درست است (نک. ابن هشام، بی‌تا: الجزء الثانی: ۱۱۹-۱۰۸).

رستم علی‌یف: در مصراع اول «تنشأ» ضبط کرده که درست نیست و احتمالاً مقصود او «تنشأ» بوده است که باز هم بنا بر توضیح ۲ نادرست است (۱۹۵۹: ۱۴).  
نفیسی: در مصراع اول «تنسأ» ضبط کرده که احتمالاً ایراد مطبعی است و اصل آن «تنشأ» بوده که باز بنا بر توضیح ۲ نادرست است (۱۳۴۱: ۴).

مشکور، انوری و مصفا: «تنشأ» را به صورت «تنشأ» ضبط کرده‌اند که بنا بر توضیح ۲ نادرست است (مشکور، ۱۳۴۲: ۵؛ انوری، ۱۳۹۵: ۵؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

خزائلی: «تنشأ» را به صورت «تنشأ» ضبط کرده که اگرچه نشانه آن است که او به ایراد وزنی در ضبط «تنشأ» واقف بوده، اما بنا بر توضیح ۲ نادرست است (۱۳۴۴: ۱۰۴).

خطیب‌رهبر: در مصراع اول «ینشأ» ضبط شده است. در ضبط خطیب‌رهبر، میان همزه و الف تفاوتی وجود ندارد. بنابراین، به دلیل نگذاشتن اعراب برای حرف آخر «ینشأ»، یا همزه ساکن دانسته شده است یا الف؛ اما خطیب‌رهبر در توضیح گفته به جای «ینشأ» باید «تنشأ» باشد (۱۳۹۶: ۱۷) که به ضرورت قلب همزه به الف توجه نداشته. پس بنا بر توضیح ۲ نادرست است. همچنین، اگرچه تأنیث فعل از نظر فصاحت بهتر است، اما تذکیر آن هم درست است (نک. توضیحات مربوط به ضبط فروغی و خرمشاهی).

یوسفی: «تنشأ / ینشأ» را «ینشأ» ضبط کرده است (۱۳۹۲: ۵۲)؛ که بنا بر توضیح ۲ نادرست است. یوسفی در شرح نسخه‌بدل‌های خود به ترجمه الفراتی و ترجمه عربی دیگری از امین عبدالمجید بدوی نیز اشاره کرده که ضبطشان همین ضبط اصح است، اما یوسفی در ضبط این بیت و بسیاری از ابیات دیگر ضبط مترجمان عرب‌زبان را نپذیرفته است (همان: ۵۶۲).

إِنْ لَمْ أَكُنْ رَاكِبَ الْمَوَاشِي أَسْعَى لَكُمْ حَامِلَ الْقَوَاشِي

(سودی، ۱۲۴۹: ۱۹۴؛ المخلع، ۱۲۶۳: ۵۶؛ قریب، ۱۳۱۰: ۶۲؛ فروغی، ۱۳۱۶: ۵۶؛ رستم علی‌یف،

۱۹۵۹: ۱۲۷؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۸۷؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۵؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۵۹؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۳۱۵؛ خطیبرهبر، ۱۳۹۶: ۱۴۸؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۸۷؛ انوری، ۱۳۹۵: ۴۱؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۴۲؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۷۵)

خزائلی: «اکن» و «لکم» را «اُکُ» و «لَکَ» ضبط کرده و توضیح داده که براساس این ضبط، وزن بیت هزج [مسدس] اخرب مقبوض محذوف (مفعول مفاعله فعلون) است. همچنین از نظر نحوی علت حذف نون را از «اکن» توضیح داده است (نک. ۱۳۴۴: ۳۱۵، ۳۵۱، ۳۵۲).  
 باین حال، در جایی دیگر از کتاب، در فهرست اوزان ابیات گلستان، ضبط اصلی (ان لم اکن / اسعی لکم) را آورده و وزن بیت را منسرح احد گزارش کرده است (همان: ۸۰). همچنین خطیبرهبر و خرمشاهی اگرچه در متن ضبط اصلی را حفظ کرده‌اند، ولی در توضیحات خود ضبط خزائلی را مرجح دانسته‌اند (خطیبرهبر، ۱۳۹۶: ۱۴۸؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۲۱۹). دلیل خرمشاهی (۱۳۹۳: ۲۱۹) برای ترجیح این ضبط، «هموارتر بودن وزن» آن است. در اینجا باید گفت که ضبط که پیشنهاد شده است غلط نیست، اما آنچه باعث می‌شود که خرمشاهی وزن ضبط پیشنهادی را هموارتر بداند صرفاً این است که وزن ضبط اصلی وزنی رایج در شعر عرب است و نه در شعر فارسی و به نظر نگارنده، همین «هموارتر بودن وزن» در ضبط پیشنهادشده می‌تواند محل تردید در اصالت آن باشد (در ادامه این موضوع را بیشتر بررسی خواهیم کرد). خطیبرهبر (۱۳۹۶: ۱۴۸) هم درباره ضبط پیشنهادشده گفته است که از نظر قواعد صرف و نحو و عروض و قافیه همین ضبط صحیح است. این نظر درست نیست؛ چون حرف «ن» در «اکن» لزوماً نمی‌افتد و انداختن آن اختیاری است؛ اتفاقاً اصل، تثبیت نون است، نه ساقط کردن آن (نک. ابن‌عقیل، ۱۹۸۰: ج ۱/ ۲۹۸-۳۰۰؛ همچنین Wright, 1898: vol. 1: p. 82). از نظر قواعد عروض و قافیه هم تثبیت نون با انداختن آن، در نهایت، هیچ تفاوتی نمی‌کند؛ ضبط اصلی به بحر بسیط مجزوء و مقطوع‌العروض مجزوء و مقطوع‌الضرب سروده شده است که در حالت غیر مزاحف به صورت مستعلن فاعله مفعولن در هر مصراع می‌آید؛ برای جزء (رکن) مفعولن از جواز وزنی خبن (تبدیل مفعولن به فعلون)

استفاده شده است که ابوالحسن عروضی این بیت مزاحف را **المخلع**<sup>۱</sup> نامیده است (نک). العروسی، ۱۹۹۶: ۱۰۸-۱۱۳). وزن ضبطی که سه استاد پیشنهاد کرده اند بنا بر نظام وزن شعر فارسی، مفعول مفاعیلن فعولن است؛ این وزن در شعر عرب نیز با تقطیع متفاوت (فع لن مفاعیلن فعولن) کاربرد دارد و نام آن **الدوبیت مجزوء** است (نک. قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰: ۱۱۱)؛ هرچند که از نظر قواعد عروض عرب و ترکیب اسباب و اوتاد، این وزن خلاف قواعد عروض عرب است و نمی تواند از دوایر آن استدراک شود. همچنین در مورد ضبط اصلی (ان لم اکن ...) باید گفت که وزن این بیت از بحر منسرح مشتق نمی شود و این اشتقاق مانند اشتقاق هایی است که در عروض سنتی فارسی و برخلاف قواعد عروض عرب انجام می شود؛ زیرا **علّه حذذ** بر هیچ یک از ضرب های بحر منسرح وارد نمی شود (نک. الخطیب التبریزی، ۱۹۹۴: ۱۰۳-۱۰۸). نهایتاً ما همین ضبط اصلی را اصح دانسته ایم؛ زیرا به وزنی مطبوع تر- از نظر عروض عرب- سروده شده است و در منابع کثرت بیشتر دارد و چه بسا آن ضبطی که اصح ندانسته ایم حاصل دستبرد کاتبانی بوده که وزن شعر را شاذ دانسته اند. البته که اصول تصحیح و نسخه شناسی می تواند به حقیقت ضبط اصیل تر را مشخص کند.

وَ أَفَانِينَ عَلَيَّهَا جُلْنَازُ (جُلْنَازُ)      عُلَّقْتُ بِالشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاؤُ (ناؤُ)

(سودی: ۱۲۴۹، ص ۲۴۸؛ المخلع، ۱۲۶۳: ۷۰؛ فروغی، ۱۳۱۶: ۷۶؛ رستم علی یف، ۱۹۵۹: ۱۷۷؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۱۱۸؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۳۳۳؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۰۱؛ انوری، ۱۳۹۵: ۵۶؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۵۹)

قریب: در مصراع دوم برای حرف «ل» در **بالشجر سکون** گذاشته (۱۳۱۰: ۸۳) که نادرست است؛ زیرا حرف «ش» از حروف شمسیه است و بعد از «ال» تعریف باید مشدّد خوانده شود.

نقیسی: در مصراع دوم، «عقلت» ضبط کرده که نادرست است، اما در وزن خللی ایجاد نمی کند (۱۳۴۱: ۷۵).

مشکور: ضبط او دارای ایراد تنوین قافیه (نک. توضیح ۱) است (۱۳۴۲: ۷۹).

۱۰. زمخشری (۱۹۸۹: ۶۸) این نام را به طور کلی به مسدس بسیط اطلاق کرده است.

**سودی و خزائلی:** اگرچه هر دو در خوانش متن درست عمل کرده‌اند (سودی به مشدد بودن «ل» در جلنار اشاره کرده و خزائلی هم تشدید را به درستی گذاشته. اگر «ل» را در جلنار مشدد بخوانیم، وزن آن فاعلان می‌شود)، ولی در گزارش وزن بیت دچار اشتباه شده‌اند؛ آنها وزن بیت را رمل مسدس مخبون مقصور یا محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلان / فعلمن) گزارش کرده‌اند (سودی<sup>۱۱</sup>، ۱۳۴۹:۴۶۷؛ خزائلی، ۱۳۴۴:۳۹۵)، در حالی که اساساً این بیت بر اساس نظام عروض عرب سروده شده است و نه نظام وزن شعر فارسی. شعر به بحر رمل است و اگر جلنار و نار را به تسکین «ر» بخوانیم، وزن شعر رمل محذوف العروض مقصور الضرب خواهد بود (بیت مصرع است؛ نک. توضیح ۵). اگر «ر» در جلنار و نار را به ضم و اشباع آن بخوانیم (نک. توضیح ۱)، وزن بیت رمل محذوف العروض سالم الضرب<sup>۱۲</sup> خواهد بود (بیت، مصرع است). برای جزء (رکن) فاعلاتن در صدر و حشو مصراع اول و ابتدا و حشو مصراع دوم زحاف خبن (تبدیل فاعلاتن به فاعلاتن) استفاده شده است (برای بررسی دقیق بحر رمل، نک. الخطیب التبریزی، ۱۹۹۴:۸۳-۹۰).

**خطیب‌رهبر:** در متن او جلنار به تخفیف «ل» ضبط شده و در شرح گفته که باید به ضرورت وزن مخفف خوانده شود و این نادرست است. زیرا او به اشتباه از دیدگاه نظام وزن شعر فارسی بیت را به وزن فاعلاتن فاعلاتن فعلمن خوانده است و ضرورتی قبیح را به بیت تحمیل کرده است (۱۳۹۶:۲۰۷).

**خرمشاهی:** در مصراع اول «افانین» ضبط کرده است که البته نادرست است. زیرا اگر «و» را به معنای «رُبَّ» هم در نظر بگیریم، «افانین» اسم غیر منصرف است و باید فتحه بگیرد نه کسره (۱۳۹۳:۹۰).

إِذَا رَأَيْتَ أَثِيمًا      كُنْ سَاتِرًا وَحَلِيمًا  
يَا مَنْ تُقَبِّحُ (يُقَبِّحُ) لَعُوي (أَمْرِي)      لِمَ لَا تَمُرُّ كَرِيمًا

(المخلع، ۱۲۶۳:۷۴)

۱۱. در انتهای توضیح آمده که «راء انار و جلنار ساکن خوانده می‌شود» که در بیت و در متن اصلی شرح سودی «انار» وجود ندارد، بلکه «نار» صحیح است.

۱۲. در اینجا بیت مصرع است و عروض و ضرب مانند هم می‌آیند، اما در بیت غیر مصرع آوردن بیت به صورت تام (تبدیل فاعلان ضرب به فاعلاتن) شاذ دانسته می‌شود (نک. التتوخی، ۱۹۷۸:۱۴۸). اگر بیت به صورت سالم العروض بیاید، بیت و جزء فاعلاتن در عروض را متمم می‌نامند که به قول ابوالحسن عروضی (۱۹۹۶:۲۱۸) جزء را از اعتدال خارج می‌کند (نیز نک. الزمخشری، ۱۹۸۹:۶۷).

قبل از بررسی ضبط‌های دیگر باید به چند نکته اشاره کرد: در اکثر ضبط‌های موجود، اولین مشکل، چینش نادرست مصراع‌هاست که به دلیل ناآشنایی با قواعد عروض عرب و تحت تأثیر نظام وزن شعر فارسی رخ داده است. این اشتباه در شرح سودی و ترجمه الفراتی هم دیده می‌شود. این دو بیت در نظام عروض عرب و به بحر مجتث مجزوءالعروض مجزوءالضرب (مستفعلن فاعلاتن در هر مصراع) سروده شده است (نک. توضیح ۳). در بیت اول به جز جزء (رکن) مستفعلن در ابتدای مصراع دوم (کن سائراً) برای سه جزء دیگر از جواز وزنی خبن (تبدیل مستفعلن به مفاعلن و فاعلاتن به فعلاتن) استفاده شده است. در بیت دوم هم برای جزء فاعلاتن در عروض و ضرب از این جواز استفاده شده است (برای بررسی دقیق این بحر، نک. الزمخشری، ۱۹۸۹: ۱۲۲-۱۲۳).

از طرفی در بیت از ضرورت وزنی حذف اعراب (توضیح ۲) برای «لم» در مصراع چهارم استفاده شده است (حرف «م» ساکن می‌شود) که برخی مصححان به آن بی‌توجه بوده‌اند و برخی دیگر هم بدون آوردن نام ضرورت و شاید فقط به دلیل تشخیص سماعی وزن، به درستی ساکن بودن حرف «م» را گزارش داده‌اند. همچنین همانند بسیاری از ابیات دیگر در ضبط‌های فارسی‌زبانان، در اینجا نیز ایراد تنوین قافیه (نک. توضیح ۱) دیده می‌شود. سودی: ایراد مربوط به چینش ابیات را دارد، ولی به ضرورت وزنی اشاره کرده است (۱۲۴۹: ۲۵۸؛ ۱۳۴۹: ۴۸۸).

قریب و مشکور: چینش مصراع‌ها را به درستی انجام داده‌اند، ولی ضبط هر دو دارای ایراد تنوین قافیه و رعایت نکردن ضرورت شعری حذف اعراب است (قریب، ۱۳۱۰: ۸۹؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۸۴).

فروغی و نفیسی: ایراد مربوط به چینش مصاربع را دارند. همچنین «ایما» و «حلیما» را تنوین داده‌اند که نادرست است، اما «کریم» را اعراب‌گذاری نکرده‌اند و تنوین ندارد. به دلیل اینکه همه حروف را اعراب‌گذاری نکرده‌اند، نمی‌توان درباره ایراد مربوط به ضرورت در ضبط آنها چیزی گفت (فروغی، ۱۳۱۶: ۸۱؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۸۰).

رستم علی‌یف: ضبط او ایراد مربوط به چینش مصراع‌ها و تنوین قافیه را دارد، ولی به دلیل نگذاشتن اعراب معلوم نیست که ایراد مربوط به ضرورت حذف اعراب را در خوانش خود داشته یا نه (۱۹۵۹: ۱۹۰).

الفراتی: او ایراد مربوط به چینش مصراع‌ها را دارد و همچنین «حلیما» را که طبق چینش او در عروض بیت قرار می‌گیرد و قافیه است تنوین داده و این خطاست؛ اما تنوین «کریمما» (در ضرب بیت) را به درستی ترک کرده است (۱۹۶۱: ۱۲۵).

خزائلی و خطیب‌رهبر: ضبط هر دو دارای ایراد مربوط به چینش مصراع‌ها و تنوین قافیه است، ولی ایراد مربوط به ضرورت حذف اعراب را ندارد. خزائلی وزن بیت را مجتث مثنی‌مخبون محذوف / مقصور (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلان / فعلن) گزارش کرده و بعد تذکر داده است که که بحر مجتث در حالت سالم کم کاربرد است. این توضیحات درباره بیت فوق نادرست است و نشان‌دهنده این است که ادبای فارسی‌زبان با دیدگاه عروض سنتی فارسی به ابیات عربی‌ای که در نظام عروض عرب سروده شده‌اند نگاه می‌کنند (خزائلی، ۱۳۴۴: ۸۶، ۳۳۸ و ۴۰۴؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶: ۲۲۰).

یوسفی و انوری و مصفا و خرمشاهی: ضبطشان دارای هر سه ایراد مذکور است (یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۰۴؛ انوری، ۱۳۹۵: ۵۹؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۶۲؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۹۴).

بَسَّ الْمَطَاعِمُ حِينَ الدَّلِّ (الدَّلِّ) يُكْسِبُهَا (يُكْسِبُهَا) / تُكْسِبُهَا (تُكْسِبُهَا)

أَلْقِدْزُ مُنْتَصِبٌ وَالْقَدْرُ مُنْخَفِضٌ (مَخْفُوضٌ)

(سودی، ۱۲۴۹: ۲۸۰ و ۲۸۱؛ المخلع، ۱۲۶۳: ۸۲؛ فروغی، ۱۳۱۶: ۹۳؛ رستم علی‌یف، ۱۹۵۹:

۲۱۸؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۱۴۱؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۹۲؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۴۲۶؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

قریب و مشکور و خطیب‌رهبر و یوسفی و انوری و خرمشاهی: همگی بیت را با تنوین قافیه

(نک. توضیح ۱) ضبط کرده‌اند (قریب<sup>۱۳</sup>، ۱۳۱۰: ۱۰۲؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۹۶؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶:

۲۵۴؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۱۳؛ انوری، ۱۳۹۵: ۶۸؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

۱۳. در مصراع دوم «مُنْتَصِبٌ» ضبط کرده که از نظر معنا صحیح است.



يَا لَيْتَ قَبْلَ مَيِّتِي      يَوْمًا أَفْـُوزُ بِمَيِّتِي  
نَهْرٍ (نَهْرٌ / نَهْرًا) يُلَاطِمُ (تَلَاطِمُ) رُكْبَتِي      فَأَظْلُ (وَأَظْلُّ) أَمْلَأُ قُرْبَتِي

(المخلع، ۱۲۶۳: ۸۵؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۱۴۷)

در اولین و دومین بیت از ابیات بررسی شده (بلغ العلی بکماله ...) گفتیم که می‌توان آن را در هردو نظام وزنی قرار داد؛ زیرا در آن به شکلی از زحافات عروض عرب استفاده شده بود که با قواعد وزن شعر فارسی مغایرتی وجود نداشت، هرچند که ضبط عربی آن را ترجیح دادیم. این دو بیت هم مانند نظم «بلغ العلی ...» به بحر کامل مجزوءالعروض مجزوءالضرب است و در ضبط‌های فارسی‌زبانان به صورت یک بیت با ۸ رکن آمده‌است که ما این چینش مثنی را غلط می‌دانیم. در بیت دوم و سوم (بلغ العلی ...) به جواز اضممار اشاره کردیم. در شعر فارسی اضممار نام قاعده‌ای برای تفرع وزن است و به تبدیل دو هجای کوتاه متوالی در اول مصراع اطلاق می‌شود (نک. نجفی، ۱۳۹۷: ۲۸ و ۲۹). اضممار در فارسی برخلاف عربی، اختیار شاعری نیست و شاعر در صورت استفاده از آن ملزم به رعایت آن در کل مصارح شعر خود است. اگر این نظم را به همان صورتی که در بالا آمده، مطابق با نظام عروض عرب به صورت دو بیت مربع بنویسیم در صدر هر دو بیت و در ابتدای بیت اول از زحاف اضممار استفاده می‌شود (تبدیل متفاعلن به متفاعلن = مستفعلن = یالیت قب = یوماً أفو = نهر یلا). اگر بیت را با دیدگاه وزن شعر فارسی به صورت مثنی بنویسیم (یالیت قبل منیتی یوماً أفوز بمنیتی / نهر تلاطم رکبتي و أظل أملاً قربتي) در هر دو مصراع قاعده اضممار رخ می‌دهد و وزن بیت به صورت مستفعلن متفاعلن متفاعلن در هر مصراع خواهد بود؛ در حشو بیت اول هم اختیار تسکین دیده می‌شود (آن را مشخص کرده‌ایم). اگرچه که اصل تساوی مصراع رعایت شده، اما چون اولاً این وزن در طبقه‌بندی نجفی (۱۳۹۷) دیده نمی‌شود، و دوماً این دو بیت به عربی سروده شده، باید از ضبط آن به صورت مثنی پرهیز کرد، همان چینی که در ضبط همه فارسی‌زبانان وجود دارد (قریب، ۱۳۱۰: ۱۰۶؛ رستم علی‌یف، ۱۹۵۹: ۲۲۷؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۱۰۰؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۴۲۹؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶: ۲۶۴؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۱۵؛ انوری، ۱۳۹۵: ۷۱؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۷۶؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

سودی: ضبط او اگرچه اعراب ندارد و چینش ابیات آن صحیح است (۱۲۴۹: ۲۹۰). اما بنا بر توضیحاتی که آورده (۱۳۴۹: ۵۵۵) فعل را به صورت تَلَاظِم در نظر گرفته و رکیبه را مفعول به آن دانسته، اما این صحیح نیست، چون فعل تَلَاظِم لازم است.

فروغی و نفیسی: علاوه بر داشتن ایراد مربوط به چینش مصراع‌ها، فعل «تلاطم» را هم «تَلَاظِم» اعراب‌گذاری کرده‌اند که نادرست است (فروغی، ۱۳۱۶: ۹۵؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۹۶).

مصفا: در بیت دوم «قُربتی» ضبط کرده که درست نیست و باید به کسر «ق» ضبط شود. قابل توجه است که در ترجمه بیت، قربه را به درستی «مشک» معنا کرده‌است (۱۳۹۵: ۱۷۶). درباره درست نبودن ضبط واژه به ضم «ق» باید گفت که در صحاح (الجوهری، ۱۹۸۴)، لسان‌العرب (ابن منظور، ۲۰۱۰)، قاموس‌المحیط (الفیروزآبادی، بی‌تا) و در فرهنگ عربی - انگلیسی لین (Lane, 1968) واژه قربه به معنای «مشک» همواره با کسر «ق» و نه با ضم آن ضبط شده‌است.

قَدْ شَابَهَ بِالْوَرَى حِمَاؤُ عَجَلًا جَسَدًا لَهْ حُوَاؤُ

(سودی، ۱۲۴۹: ۳۰۲؛ فروغی، ۱۳۱۶: ۱۰۳؛ رستم علی‌یف، ۱۹۵۹: ۲۴۱؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۱۵۵؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۱۰۱؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

المخلع: در مصراع اول «فی‌الوری» ضبط کرده‌است (۱۲۶۳: ۸۹)؛ نگارنده در جست‌وجوهای خود موردی برای استعمال حرف جر «فی» برای فعل «شابه» ندیده و بنابراین، همان حرف «ب» را که در ضبط اصح وجود دارد صحیح دانسته‌است. بدیهی است که در اینجا از نظر وزنی، دو ضبط هیچ تفاوتی با هم ندارند.

قریب: در مصراع اول ایراد تنوین قافیه را دارد، اما در مصراع دوم نه (۱۳۱۰: ۱۱۲). مشکور و خزائلی و خطیب‌رهبر و یوسفی و انوری و خرمشاهی: همگی در ضبط خود ایراد تنوین قافیه (نک. توضیح ۱) را دارند (مشکور، ۱۳۴۲: ۱۰۶؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۴۳۴؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶: ۲۸۱؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۱۹؛ انوری، ۱۳۹۵: ۷۵؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

إِذَا حِجَّتِي فِي رُفْقَةٍ (رُفْقَةٍ) لِيَتْرُونِي وَإِنْ حِجَّتْ فِي صَلْحٍ فَأَنْتَ مُحَارِبٌ

(سودی، ۱۲۴۹: ۳۴۸؛ المخلع، ۱۲۶۳: ۱۰۵؛ فروغی، ۱۳۱۶: ۱۲۷؛ رستم علی‌یف، ۱۹۵۹: ۳۰۴؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۱۸۹؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۱۲۵؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۵۱۱؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶: ۳۵۰)

قریب و مشکور و یوسفی و انوری و مصفا: ضبط همگی دارای ایراد تنوین قافیه است (نک. توضیح ۱) (قریب، ۱۳۱۰: ۱۳۷؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۱۳۲؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۳۶؛ انوری، ۱۳۹۵: ۹۲؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

خرمشاهی: علاوه بر ایراد تنوین قافیه، در مصراع اول، «لِتَرْوَنِي» ضبط کرده که ایراد مطبعی است و کسره باید برای حرف نون باشد (۱۳۳: ۱۳۹۳).

ظَمًا بِقَلْبِي لَا يَكَادُ يُسْبِغُهُ رَشْفٌ (رَشْفٌ) الرَّالِ وَ لَوْ شَرِبْتُ بُحُورًا

(سودی، ۱۲۴۹: ۳۶۳؛ المخلع، ۱۲۶۳: ۱۱۱؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۲۰۰؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۵۱۸؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۲۰۴).

قریب و مشکور و خطیب‌رهبر و یوسفی و انوری و خرمشاهی: ضبط همگی دارای ایراد تنوین قافیه است (نک. توضیح ۱) (قریب، ۱۳۱۰: ۱۴۵؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۱۳۹؛ خطیب‌رهبر، ۱۳۹۶: ۳۷۳؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۴۱؛ انوری، ۱۳۹۵: ۹۷؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

فروغی: در حروف چینی این نسخه میان الف (ا) و همزه قطع (أ) تمایز داده می‌شود. در مصراع اول «ظما» ضبط شده است. بنابراین، صحیح نیست (۱۳۱۶: ۱۳۵).  
رستم‌علی‌یف و نفیسی: در مصراع اول «ظماء» ضبط کرده‌اند که نادرست است (نفیسی، ۱۳۴۱: ۱۳۱؛ رستم‌علی‌یف، ۱۹۵۹: ۳۲۳).

يَا مَعْشَرَ الْخُلَآنِ قُولُوا لِلْمَعَا (لِلْمَعَا-) فِي لَسْتِ تَدْرِي مَا بِقَلْبِ الْمُوجِعِ

(المخلع، ۱۲۶۳: ۱۱۴؛ الفراتی، ۱۹۶۱: ۲۰۷؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۵۲۲؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۲۰۸؛ انوری، ۱۳۹۵: ۱۰۰؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۴۴؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۱۴۲)

سودی: او مصراع اول را به صورت «یا معشر الخلان قولوا للمعافي» ضبط کرده که چون بیت به بحر رجز است بنا بر توضیح ۴ نادرست است. البته او در توضیح بیت به درستی گفته مصراع اول با الف «معافی» تمام می‌شود و «فی» اول و ابتدای مصراع دوم است (نک. ۱۳۴۹: ۷۲۹). این نکته را هم متذکر شده که این گونه اشعار را به صورت [دو] مصراع [مجزا] نمی‌نویسند، بلکه [دو مصراع] را متصل می‌نویسند (نک. همان). اما نخست باید گفت که نوشتن دو مصراع به صورت مجزا هم صحیح است (نک. توضیح ۴)، اما در خوانش باید دو

(نک. توضیح ۴) مصراع را به صورت متصل خواند و دوم اینکه عجیب است که علی رغم آوردن این توضیح، نه تنها خود آن را رعایت نکرده، بلکه در پایان توضیح گفته: «فاحفظ ولا تفعل» (سودی، ۱۳۴۹: ۷۲۹).

قریب و مشکور: هر دو «معافی» ضبط کرده‌اند (قریب، ۱۳۱۰: ۱۵۰؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۱۴۴) که درست نیست. زیرا با توجه به معنی فعل باید معافی یعنی اسم مفعول از باب معافاة باشد به معنی «نگاه داشته شده از سختی».

فروغی و خطیبرهبر: در هر دو ضبط در مصراع اول «معافا» ضبط شده است؛ (فروغی، ۱۳۱۶: ۱۳۹؛ خطیبرهبر، ۱۳۹۶: ۳۸۹) که این خلاف صورت رایج آن در عربی است که با الف مقصوره نوشته می شود. خطیبرهبر در توضیح بیت این نکته را متذکر شده است و همچنین به درستی به قاعده تدریج (معادل اصطلاح تدویر در علم بدیع) اشاره کرده است (نک. خطیبرهبر، ۱۳۹۶).

رستم علی یف و نفیسی: در مصراع دوم «بقلب الموجعی» ضبط کرده‌اند (رستم علی یف، ۱۹۵۹: ۳۳۵؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۱۳۶) که اگرچه در خوانش بیت کسره «ع» در «موجع» اشباع و تبدیل به «ی» می شود (نک. توضیح ۱)، اما در کتابت باید همان کسره را نوشت.

وَقَطَّرَ عَلَى قَطْرِ إِذَا اتَّفَقْتُ (اتَّفَقَا) نَهْرٌ وَ نَهْرٌ عَلَى (إِلَى) نَهْرٍ إِذَا اجْتَمَعَتْ (اجْتَمَعَا) بَحْرٌ  
(سودی، ۱۲۴۹: ۴۸۳؛ المنخلع، ۱۲۶۳: ۱۵۱؛ فروغی، ۱۳۱۶: ۱۹۳؛ رستم علی یف، ۱۹۵۹: ۴۵۴؛  
الفراتی، ۱۹۶۱: ۲۸۵؛ نفیسی، ۱۳۴۱: ۱۸۴؛ خزائلی، ۱۳۴۴: ۶۵۶)

قریب و مشکور و یوسفی و انوری و مصفا و خرمشاهی: ضبط همگی دارای ایراد تنوین قافیه (نک. توضیح ۱) است (قریب، ۱۳۱۰: ۲۰۳؛ مشکور، ۱۳۴۲: ۱۹۶؛ یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۸۱؛ انوری، ۱۳۹۵: ۱۳۵؛ مصفا، ۱۳۹۵: ۲۴۸؛ خرمشاهی، ۱۳۹۳: ص ۱۸۳).

خطیبرهبر: در مصراع اول قافیه «نهر» با تنوین ضبط شده است، اما در مصراع دوم ضبط صحیح است (۱۳۹۶: ۵۶۲).

#### نتیجه

برای تصحیح متون فارسی، علاوه بر تسلط بر صرف و نحو عرب، تسلط بر علوم ادبی عرب

نیز لازم است. ایرادات عروضی و قافیه‌ای که در تصحیحات فارسی‌زبانان از ابیات عربی گلستان دیده می‌شود ناشی از این است که مصححان از منظر عروض سنتی فارسی به ابیات عربی نگاه کرده‌اند؛ باید توجه داشت عروض سنتی به‌خلاف ظاهرش با بنیان‌های عروض عرب مغایرت دارد و به همین دلیل واجب است که در بررسی ابیات عربی به کتاب‌های عروض و قافیه عربی رجوع کنیم و هرگز عروض فارسی را ملاک قرار ندهیم. در اینجا ایرادات مربوط به عروض و قافیه را در ضبط‌های ابیات عربی گلستان بار دیگر برمی‌شمریم: (۱) تنوین قافیه، (۲) بی‌توجهی به ضرورت‌های شعری عرب، (۳) بی‌توجهی به اصول عروض عرب در چینش مصاربع، (۴) اعمال برخی قواعد عروض فارسی به ابیات که برخی محققان وزن بیت را - علی‌رغم مطبوع بودن در شعر عربی - به‌خاطر نامطبوع بودن آن در شعر فارسی، ثقیل قلمداد کرده و سعی کرده‌اند تا با انتخاب ضبط‌هایی (که البته اصالت آنها محل تردید است) وزن را مطبوع کنند.

#### منابع

- ابن عقیل، بهاء‌الدین عبدالله عقیل العقیلی (۱۹۸۰)، شرح ابن عقیل قاضی القضاة، تألیف محمد محیی الدین عبدالحمید، أربعة أجزاء، قاهرة: دارالتراث.
- ابن منظور، محمد بن مكرم بن علی (۲۰۱۰)، لسان العرب، طبعة جديدة مصححة و ملونة اعتنى بتصحيحها امين محمد عبدالوهاب، محمد الصادق العبيدي، تسعة أجزاء، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن هشام، جمال‌الدین یوسف بن احمد (بی‌تا)، أوضح المسالك إلى ألفية ابن مالک، تألیف محمد محیی‌الدین عبدالحمید، أربعة أجزاء، صیدا، بيروت: منشورات المكتبة العصرية.
- الأخفش، ابوالحسن سعید بن مسعدة (۱۹۷۴)، كتاب القوافی، تحقیق أحمد راتب التفاح، بيروت: دارالأمانة.
- إمرؤ القیس، جند بن الحجر بن الحارث الكندی (۲۰۱۱)، دیوان امرئ القیس، شرح د. محمد الإسكندرانی و د. نهاد رزوق، بيروت: دارالكتاب العربی.
- البحتری، أبوعبادة الولید بن عبید الطائی (۱۹۱۱)، دیوان البحتری (الشاعر المفلق المشهور)، جزءان، مصر: مطبعة هندیة بالموسکی.
- التنوخی، ابویعلی (۱۹۷۸)، كتاب القوافی، تحقیق عونى عبدالرءوف، الطبعة الثانية، مصر: مكتبة الخانجی.
- التنوخی، عزالدین (۱۹۴۶)، احیاء العروض، دمشق: المطبعة الهاشمية.

- الجوهري، اسماعيل بن حماد (۱۹۸۴)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق أحمد عبدالغفور عطار، الطبعة الثالثة، ستة أجزاء، بيروت: دارالعلم للملایین.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۶)، «كتاب القوافي عن الشيخ أبي نصر إسماعيل بن حماد الجوهري (توفي نحو ۴۰۰ هـ)، حققه و علق عليه سليمان أحمد أبوستة»، مجلة دراسات اللغوية، المجلد الثامن، العدد الثالث، ص ۱۳۳ و ۱۳۷-۱۴۰، رياض يولية.
- الخطيب التبريزي، زكريا يحيى بن علي (۱۹۹۴)، كتاب الكافي في العروض و القوافي، تحقيق الحسانى حسن عبدالله، الطبعة الثالثة، قاهرة: مكتبة الخانجي.
- المزخشرى، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۹۸۹)، القسطاس فى علم العروض، تحقيق فخرالدين قباوة، الطبعة الثانية المجددة، بيروت: مكتبة المعارف.
- السيرافى، أبوسعيد الحسن بن عبدالله المرزبان (۱۹۸۵)، ضرورة الشعر، تحقيق رمضان عبدالتواب، بيروت: دارالنهضة العربية.
- العروضى، أبوالحسن احمد بن محمد (۱۹۹۶)، الجامع فى العروض و القوافي، حققه و قدم له زهير غازى زاهد و الأستاذ هلال ناجي، بيروت: دارالجيل.
- الفيروزآبادى، مجدالدين محمد بن يعقوب (بى تا)، القاموس المحيط، بيروت: شركة دارالأرقم بن أبى الأرقم للطباعة و النشر و التوزيع.
- الهاشمى، السيد أحمد (۲۰۰۶)، ميزان الذهب فى صناعة شعر العرب، التحقيق علاءالدين عطية، بيروت: مكتبة دارالبيروتى.
- سعدى، مصلح بن عبدالله (۱۲۶۳ق)، كتاب ترجمة الجلستان الفارسى العبارة، الخواجا جبرائيل بن يوسف الشهير بالمخلع، بولاق، قاهرة: دارالطبعة الباهرة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۱۰)، گلستان، به تصحيح و حواشى عبدالعظيم قريب گرکانى (با نظريات جديد)، تهران: علمى.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۱۶)، بوستان، به اهتمام محمدعلى فروغى، تهران: بروخيم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۰)، کلیات، به اهتمام محمدعلى فروغى، تهران: بروخيم.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۵۹)، گلستان، تصحيح متن علمى و انتقادى، ترجمه روسى، مقدمه، تعليقات و حواشى به قلم رستم موسى اوغلى على ياف، مسكو: فرهنگستان علوم اتحاد جماهير شوروى سوسياليستى.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۶۱)، گلستان (روضه الورد)، ترجمه محمد الفراتى، دمشق: مديرية التأليف و الترجمة، وزارة الثقافة والإرشاد القومى.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۱)، گلستان، به كوشش سعيد نفيسى، تهران: فروغى.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۲)، گلستان، به اهتمام محمدجواد مشكور، تهران: اقبال.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۴)، شرح گلستان، محمد خزائلى، تهران: علمى.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، غزلهاى سعدى، به تصحيح و توضيح غلامحسين يوسفى، تهران: سخن.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، اشعار عربی سعدی، ترجمه موسی اسوار، شیراز: مرکز سعدی‌شناسی با همکاری مؤسسه فرهنگی پژوهشی دانشنامه فارس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، گلستان، به تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، گلستان، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: دوستان.
- سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۹۵)، کلیات سعدی، تدقیق در متن و مقدمه از دکتر حسن انوری، تهران: نشر قطره.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، کلیات سعدی، به کوشش دکتر مظاهر مصفا با همکاری اکرم سلطانی، تهران: روزنه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، گلستان، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.
- سودی، احمد [محمد؟] (۱۳۴۹ ق)، شرح سودی بر گلستان سعدی، اسلامبول: دارالطباعة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۹)، شرح سودی بر گلستان سعدی، ترجمه حیدر خوش‌طینت و زین‌العابدین چاوشی و علی‌اکبر کاظمی، تبریز: کتاب‌فروشی تهران.
- سیبویه، ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر (۱۹۸۸)، الکتاب، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثالثة، خمسة أجزاء، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- شمس قیس رازی (۱۳۳۵)، کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، به تصحیح محمد قزوینی با مقابله شش نسخه خطی قدیمی و تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- طیب‌زاده، آریا (۱۳۹۸)، «نه به اشتر بر سوارم (درباره وزن شعری در گلستان سعدی)»، فصلنامه شعرپژوهی (بوستان ادب)، شماره پیاپی ۴۲، ص ۲۳۱-۲۴۲.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۰)، عروض و قافیه عربی، تهران: سمت، بوشهر: دانشگاه خلیج فارس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، «واحد وزن در شعر عربی و فارسی»، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، دوره دوم، ش ۱، ص ۵۰ و ۵۱.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۷)، طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، به همت امید طیب‌زاده، تهران: نیلوفر.
- Drory, R. (2000), *Models and Contacs, Arabic Literature and its Impact on Medieval Jewish Culture*, Leiden, Boston, Köln: Brill Academic Pub.
- Lane, E. W. (1968), *An Arabic-English lexicon*, Beirut-Lebnaon: Librairie du Liban.
- Versteegh, K. (2014), *The Arabic Language*, second edition, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Wright, W. (1896-8), *A Grammar of the Arabic language*, 2 Vols, 3<sup>rd</sup> rev. edn W.Robertson Smith and M. J. de Goeje, Cambridge: Cambridge University Press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی